

کنش های واجی در زنجیره های آوایی زبان

مقدمه: آرایه های واجی در زنجیره آوایی زبان های گوناگون با یکدیگر تفاوت دارند. این آرایه ها تحت تاثیر کنش های تلفظی پذیرای تغییراتی هستند که از آنها با عنوان کنش های واجی بر زنجیره آوایی زبان نام برده می شود. در این مختصر چهارکنش واجی تحت عناوین "همگون سازی" "ناهمگون سازی" "الحاق" و "حذف" حلقه آوایی مورد بحث قرار می گیرد.

Assimilation

In phonology, assimilation is a common phonological process by which one sound becomes more like a nearby sound. This can occur either within a word or between words. It occurs in normal speech, and it becomes more common in more rapid speech. In rapid speech, for example, "handbag" is often pronounced /'hæmbæg/. The pronunciations /'hænbæg/ or /'hændbæg/ are common in normal speech, whereas the word "cupboard", for example, is always pronounced /'kʌbɔ:rd/, never /'kʌpbɔ:rd/, even in slow, highly articulated speech.

همگون سازی

در حوزه واجشناسی "همگون سازی" فرایندی واجشناختی است که طی آن یک صدا به صدای پس از خود شباهت پیدا می کند. این مورد ممکن است درون خود واژه و یا بین واژگان رخ دهد.

همگون سازی در تکلم عادی رایج بوده اما در گفتار پرسرعت بیشتر نمایان می شود. نمونه آن را می توان در ادای واژه "handbag" به صورت /'hæmbæg/ مشاهده کرد.

تلفظ های /'hændbæg/ و /'hænbæg/ در گویش انگلیسی کاملاً متداول هستند اما این امر در مورد واژه ای مانند "cupboard" صدق نمی کند. این واژه در صورت هرگز /'kʌpbɔ:rd/ تلفظ نشده و همواره /'kʌbɔ:rd/ تلفظ می شود.

As in these examples, sound segments typically assimilate to a following sound (this is called regressive or anticipatory assimilation), but they may also assimilate to a preceding one (progressive assimilation). While assimilation most commonly occurs between immediately adjacent sounds, it may occur between sounds separated by others ("assimilation at a distance"). Assimilation can be synchronic, that is, an active process in a language at a given point in time—or diachronic—that is, a historical sound change.

مطابق با مثال های بالا حلقه های صدایی معمولا با حلقه های صدایی پس از خود همگون می شوند که در این صورت آن را همگون سازی پیش رونده می نامند. این حلقه ها همچنین ممکن است با حلقه های صدایی ماقبل خود همگون شوند که در آن صورت همگون سازی پس رونده نامیده می شوند. اگرچه همگون سازی غالبا "بین حلقه های کاملا" مجاور با یکدیگر رخ می دهد با این وجود می توان این پدیده را در صداهایی که با حلقه های صدایی دیگر از یکدیگر مجزا شده اند نیز مشاهده کرد. همگون سازی در دو گروه همگون سازی همزمان (فرایندی کنشی در زبان و در مقطع خاصی از زمان) و همگون سازی وابسته به تغییرات در طول زمان (همگون سازی تاریخی) طبقه بندی می شود .

A related process is co-articulation, where one segment influences another to produce an allophonic variation, such as vowels acquiring the feature nasal before nasal consonants when the velum opens prematurely or /b/ becoming labialized as in "boot". This article describes both processes under the term assimilation. The physiological or psychological mechanisms of co-articulation are unknown. Co-articulation is often referred to as a segment being "triggered" by an assimilatory change in another segment. In assimilation, the phonological patterning of the language, discourse styles and accent are some of the factors contributing to changes observed.

یکی از فرایندهایی که منجر به همگونی صدایی در زبان می شود "هم فراگویی" است که طی آن یک حلقه صدایی حلقه مجاور خود را تحت تاثیر قرار داده و آن را به یک واجگونه تبدیل می سازد. برای نمونه می توان به خیشومی شدن واج های مجاور با واج های خیشومی در هنگام تلفظ اشاره کرد. مکاتیزم فیزیولوژیکی یا روانشناختی "هم فراگویی" ناشناخته است. از "هم فراگویی" غالبا" به عنوان حلقه ای نام برده می شود که فرایند آن نتیجه رخ داد همگونی در حلقه صدایی دیگر است. عوامل تاثیر گذار در همگون سازی الگوی واجشناختی زبان همراه با سبک گفتار و لهجه هستند.

There are four configurations found in assimilations:

- Between adjacent segments
- Between segments separated by one or more intervening segments
- Changes made in reference to a preceding segment
- Changes made in reference to a following segment

آرایه های همگونی چهار قالب را شامل می شوند :

* بین حلقه های صدایی مجاور با هم

* بین حلقه های مجزا شده توسط یک یا چند حلقه صدایی میانجی

* تغییرات حاصل از تاثیر حلقه آوایی پیشین

* تغییرات حاصل از تاثیر حلقه آوایی بعدی

Assimilations to an adjacent segment are vastly more frequent than assimilations to a non-adjacent one. These radical asymmetries might contain hints about the mechanisms involved, but they are unobvious. If a sound changes with reference to a following segment, it is traditionally called “regressive assimilation”; changes with reference to a preceding segment are traditionally called “progressive”. Regressive assimilation is also known as anticipatory assimilation.

Progressive assimilation is also known as preservative, lagging or lag assimilation.

همگونی با حلقه آوایی مجاور بسیار پر وقوع تر از همگونی با حلقه های آوایی غیر مجاور است. این عدم تقارن بنیانی ممکن است نمایانگر نشانه ها از مکانیزم هایی باشد که در همگونی دخیل هستند اما این مورد به طور یقین ثابت نشده است. اگر همگونی حلقه آوایی متأثر از حلقه آوایی قبل از آن باشد آن را "همگونی وا پیشین" نامیده و چنانچه همگونی حلقه آوایی متأثر از حلقه آوایی بعد از آن باشد آن را "همگونی وا پسین" می نامند. همگونی وا پیشین "همگونی پیش گرا" و همگونی وا پسین "همگرایی پس گرا یا پس افت" نیز نامیده می شود.

Occasionally, two sounds may influence one another in reciprocal assimilation. When such a change results in a single segment with some of the features of both components, it is known as coalescence or fusion. Assimilation occurs in two different types: complete assimilation, in which the sound affected by assimilation becomes exactly the same as the sound causing assimilation, and partial assimilation in which the sound becomes the same in one or more features, but remains different in other features.

گاهی اوقات دو حلقه آوایی یکدیگر را در فرایند همگونی دو سویه تحت تاثیر قرار می دهند. چنانچه نتیجه این فرایند پیدایش یک حلقه آوایی باشد که ویژگی های هر دو حلقه آوایی مذکور را داشته باشد آن حلقه آوایی را "درهم آمیخته یا هم جوش" می نامند. همگونی دو نوع است: همگونی کامل - که در آن ویژگی های حلقه آوایی متأثر از همگونی به شکل کامل با ویژگی های حلقه آوایی تاثیر گذار منطبق می شود - و همگونی جزئی - که در آن نه همه ویژگی های حلقه آوایی مذکور بلکه صرفاً بخشی از آنها تحت تاثیر قرار می گیرند.

Anticipatory assimilation to an adjacent segment is the most common type of assimilation by far, and typically has the character of a conditioned sound change, i.e., it applies to the whole lexicon or part of it. In English, the place of articulation of nasals assimilates to that of a next stop (handkerchief is pronounced [hæŋkətʃɪf], handbag, said rapidly, is pronounced [hæmbæg]).

همگونی پیشگرا در حلقه آوایی مجاور پر وقوع ترین نوع همگونی به شمار آمده و معمولاً با عملکرد بر بخش یا کل واژه باعث تغییر در شاخصه آوایی آن واژه می شود. برای نمونه در انگلیسی جایگاه تولید آوای خیشومی با جایگاه تولید آوای انسدادی همگون می شود. نمونه آن را می توان در تلفظ واژه handkerchief [hæŋkətʃɪf] و همچنین تلفظ سریع واژه

handbag [hæmbæg] مشاهده کرد.

Dealing with lag assimilation to an adjacent segment, the enclitic form of English is, eliding the vowel, becomes voiceless when adjacent to a word-final voiceless non-sibilant. Thus it is [ɪtɪz], that is [ðætɪz] > it's [ɪts], that's [ðæts].

در رابطه با همگونی واپس گرا در حلقه آوایی مجاور می توان به واژه بست is اشاره کرد که طی آن حلقه آوایی صدا دار به دلیل مجاورت با واژه منتهی به آوای بی صدای غیرصفیری به آوای بی واک تبدیل می شود.

it is [ɪtɪz], that is [ðætɪz] > it's [ɪts], that's [ðæts].

Dissimilation

In phonology, dissimilation is a phenomenon whereby similar consonants or vowels in a word become less similar. For example, when a /r/ sound occurs before another in the middle of a word in rhotic dialects of English, the first tends to drop out, as in "suprise" for surprise, "paticular" for particular, and "govenor" for governor – this does not affect the pronunciation of government, which has only one /r/, but English government tends to be pronounced "goverment", dropping out the first n. An example where a relatively old case of phonetic dissimilation has been artificially undone in the spelling is English colonel, whose standard pronunciation is /'kɜ:nəl/ (with the r sound) in North-American English, or /'kɜ:nəl/ in RP. It was formerly spelt coronel and is a borrowing from French coronnel, which arose as a result of dissimilation from Italian colonello.

ناهمگون سازی

در واجشناسی ناهمگون سازی فرایندی است که طی آن شاخصه های مشابه همخوان ها و یا واکه های مجاور در زنجیره آوایی یک واژه تحت تاثیر صداهای مجاور آن ها کاهش پیدا می کنند. برای نمونه هنگام تلفظ واژه هایی همچون governor, particular, surprise صدای /r/ و در تلفظ واژه government صدای /n/ در حلقه های آوایی میانی

تحت تاثیر حلقه آوایی پس از خود حذف می شوند. نمونه هایی از ناهمگون سازی در واژه ای همچون

colonel را نیز می توان در مطالعات تاریخی واجشناسی جستجو و به نتایج زیر دست یافت :

colonnello (Italian) > coronel (French) > colonel (English) /'kɜ:nəl/

There are several hypotheses on the cause of dissimilation. According to John Ohala, listeners are confused by sounds with long-distance acoustic effects. In the case of English /r/, rhoticization spreads across much of the word: in rapid speech, many of the vowels may sound as if they had an r. It may be difficult to tell whether a word has one source of rhoticity or two. When there are two, a listener might wrongly interpret one as an acoustic effect of the other, and so mentally filter it out. In English r-deletion, when the syllable unstressed, it may drop out altogether, as in "deteriate" for deteriorate and "tempature" for temperature, a process called haplology. When the /r/ is found in /bru/, it may change to /j/: "Febyuary" for February, "defibyulator" for defibrillator.

نظریه های گوناگونی در ارتباط با پدیده ناهمگون سازی مطرح شده است. جان او هالا معتقد است درک آوا در شنوندگان به علت تاثیرات اکوستیکی پراکنش آن در محیط های فیزیکی با تنش همراه است. برای نمونه در انگلیسی تلفظ صدای /r/

در صورت وجود آن در واژه در سطح واژه گسترش یافته و در بیان سریع واژه به نظر می رسد که بسیاری از واکه ها با صدای

/r/ همراه هستند. بر این اساس تمایز بین واژگانی که آواهای آنها همراه با این صدا هستند با واژگانی که فاقد آن هستند برای

شنونده در دسرساز است. یکی دیگر از نمایه های همگون سازی در انگلیسی حذف /r/ است که منجر به حذف یا تغییر حلقه های

آوایی مجاور آن در واژه می شود. این فرایند "همانند زنی" نامیده می شود و می توان آن را در موارد زیر مشاهده کرد:

deteriorate>deteriate , temperature > tempature , Febyuary>Febyuar , defibrillator> defibyulator

Dissimilation, like assimilation, may involve a change in pronunciation relative to a segment that is adjacent to the affected segment or at a distance, and may involve a change relative to a preceding or a following segment. As with assimilation, anticipatory dissimilation is much more common than lag dissimilation, but unlike assimilation, most dissimilation is triggered by non-contiguous segments. Also, while many kinds of assimilation have the character of a sound law, few dissimilations do; most are in the nature of accidents that befall a particular lexical item.

ناهمگون سازی همانند همگون سازی ممکن است باعث ایجاد تغییر در تلفظ یک حلقه آوایی تحت تاثیر حلقه آوایی مجاور خود به دلیل فاصله مکانی شود و یا باعث تغییر در تلفظ حلقه آوایی مجاور خود گردد. همانند همگون سازی در این حیظه نیز ناهمگون سازی پیشگرا از ناهمگونی پسگرا شایع تر بوده و توسط حلقه های غیر مجاور صورت می گیرد. علاوه بر آن برخلاف بسیاری از همگون سازی ها که از قواعد صدایی پیروی می کنند این امر در مورد ناهمگون سازی بسیار نادر بوده و غالباً به دلیل ماهیت رخدادهایی است که درون واحد واژگانی روی می دهد.

An example for anticipatory dissimilation at a distance :

In English "eksetera" for etcetera, which may rather be contamination from the numerous forms in eks-, though the common misspelling ect. implies dissimilation.

نمونه ای از ناهمگون سازی پیشگرا در فاصله مکانی :

eks > ect : eksetera > etcetera

An example for anticipatory dissimilation from a contiguous segment :

English amphitheater is very commonly pronounced amphitheater .

نمونه ای از ناهمگون سازی پیشگرا تحت تاثیر حلقه آوایی متصل به آن :

amphitheater > amphitheate

Examples for lag dissimilation at a distance :

English, "purple" is in medieval English as purpul and purpure with dissimilation of /r/ to /L/.

In Middle English, in some words ending in -n preceded by a coronal consonant the -n changed to -m: seldom, random, venom.

نمونه هایی از ناهمگون سازی پسگرا در فاصله مکانی :

purpure > purpul > purple

seldon > seldom

randon > random

venon > venom

An example for lag dissimilation from a contiguous segment :

English chimney > chimbley

نمونه ای از ناهمگون سازی پسگرا تحت تاثیر حلقه آوایی مجاور آن :

chimbley > chimney

Epenthesis

In phonology, epenthesis means the addition of one or more sounds to a word, especially to the interior of a word ; at the beginning prothesis and at the end paragoge.

Epenthesis is divided into two types:

a) **excrescence** : the addition of a consonant,

b) **anaptyxis** : the addition of a vowel.

الحاق

در واجشناسی "الحاق" به معنی افزودن یک یا چند صدا به حلقه های آوایی یک واژه - به ویژه حلقه های آوایی درونی آن واژه است. اگر الحاق صدا در ابتدای واژه باشد آن را الحاق "جانهدشت" و چنانچه الحاق صدا در انتهای واژه باشد آن را "هجای الحاقی" می نامند. الحاق دو گونه است :

الف : الحاق آماسی : الحاق همخوان

ب : الحاق پاره گذاری : الحاق واکه

Epenthesis arises for a variety of reasons. The phonotactics of a given language may discourage vowels in hiatus or consonant clusters, and a consonant or vowel may be added to make pronunciation easier.

A) A consonant may be added to separate vowels. *roal* > *royal*

B) A consonant may be placed between consonants in a consonant cluster where the place of articulation is different ; e.g., where one consonant is labial and the other is alveolar).

- *something* → *somepthing*
- *hamster* → *hampster*

C) A vowel may be placed between consonants to separate them.

- *Hamtramck* → *Hamtramick*

Regular examples in English are *-i-*, used in forming Latinate words such as *equidistant*, and *-o-*, used in forming words on Greek roots or general compounds, as in *speedometer*.

Epenthesis can also occur between a vowel and a consonant, or at the ends of words. The English suffix *-t*, often found in the form *-st*, as in *amongst*, is an example of terminal excrescence.

D) Excrescence is the epenthesis of a consonant.

thunor > *thunder*

messenger > *messenger*

passager > *passenger*

دلیل الحاق حلقه های آوایی در واژگان را باید در شیوه های واج آرایی زبان ها جستجو کرد که در آنها چینش واکه ها یا همخوان های متعدد در یک هجا با محدودیت مواجه بوده و از این رو درج حلقه آوایی در خوشه های همخوانی و یا واکه ای برای سهولت در تلفظ برخی واژگان ضرورت پیدا می کند :

roal > *royal*

الف : درج همخوان برای تفکیک دو واکه از هم :

ب : درج همخوان در خوشه های همخوانی که در آنها مکان تولید همخوان ها با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه یک همخوان دو لیبی و همخوان مجاور آن لثوی است :

something → *somepthing*

hamster → *hampster*

ج : درج واکه برای تفکیک دو همخوان از هم :

Hamtramck → *Hamtramick*

نمونه های مشابه این فرایند را می توان در مثال های زیر نیز مشاهده کرد :

equidistant , speedometer

الحاق همچنین می تواند بین یک واکه و یک همخوان و یا در انتهای واژگان رخ دهد:

among > amongst

د : الحاق آماسی و درج همخوان در خوشه های همخوانی :

thunor > *thunder* , *messenger* > *messenger* , *passager* > *passenger* و *a orange* > *an orange*

Epenthesis often breaks up a consonant cluster or vowel sequence that is not permitted by the phonotactics of a language. For example, a reduced vowel /ɪ/ or /ə/ is inserted before the English plural suffix *-/z/* and the past tense suffix *-/d/* when the root ends in a similar consonant:

glass → *glasses* *bat* → *batted* .

فرایند الحاق غالباً در خوشه های همخوانی و یا توالی آوایی که در تقابل با آرایه زنجیره هایی آوایی یک زبان هستند گسست ایجاد می کند. نمونه هایی از این فرایند را می توان در پیوست تکواژ جمع یا گذشته در پایه های زیر مشاهده کرد :

bat → *batted* , *glass* → *glasses*

Elision

In phonology, an elision or deletion is the omission of one or more sounds such as a vowel, a consonant, or a whole syllable in a word or phrase.

Contractions *can not* → *can't* involve elision, and "dropping" of word-internal unstressed vowels known specifically as syncope is frequent: *history* → *histry*, *mathematics* → *mathmatics*.

Syncope is the elision of vowels between consonants.

Aphaeresis is the elision of an unstressed vowel at the beginning of a word .

Aposcope is the loss of a sound at the end of a word.

<i>comfortable</i>	/ˈkʌmfərtəbəl/	/ˈkʌmftərbəl/
<i>laboratory</i>	/ˈlæbərəˌtɔːri/ (American English)	/ˈlæbrətɔːri/ (British English)
<i>temperature</i>	/ˈtɛmpərətʃər/ , /ˈtɛmprətʃər/ , sometimes /ˈtɛmpətʃər/ /ˈtɛmpərtʃər/	
<i>family</i>	/ˈfæmili/	/ˈfæmli/
<i>vegetable</i>	/ˈvɛdʒətəbəl/	/ˈvɛdʒtəbəl/
<i>fifth</i>	/ˈfɪfθ/	/ˈfiθ/
<i>him</i>	/hɪm/	/ɪm/
<i>going to</i>	/ˈɡoʊ.ɪŋ tuː/	(gonna) /gənə/

حذف

در واجشناسی "حذف" عبارت است از انداختگی یک یا چند حلقه آوایی از جمله واکه یا همخوان و یا یک هجای کامل از زنجیره آوایی یک واژه. "حذف" در گروه های زیر دسته بندی می شود:

الف – سینکوپ: این فرایند با انداختگی واکه فاقد استرس که منجر به حذف هجا در داخل واژه می شود صورت می گیرد:

can not → *can't* , *history* → *histry* , *mathematics* → *mathmatics*

ب – آفرزیس: این فرایند با انداختگی واکه بدون استرس در ابتدای واژه صورت می گیرد:

because > 'cause

ج – آپوسکوپ: این فرایند با انداختگی حلقه آوایی در انتهای واژه صورت می گیرد:

teacher > *teache*

Key Words

assimilation	sound segment	regressive	coalescence	dissimilation
allophonic	variation	epenthesis	excrescence	anaptyxis
				haplology

منابع ارجاع

۱. آذروش .محمد (۱۳۹۴) . نگاهی به زبان انگلیسی از دیدگاه زبانشناسی . صفحه ۸۲- ۵۳ انتشارات کتاب سبز .

قابل دسترس در <http://ketabesabz.com/book/۲۰۹۵۷>

۲. حق شناس.علی محمد(۱۳۷۷) . آواشناسی. صفحه ۴۵-۲۸ کتابخانه الکترونیکی امید ایران

قابل دسترس در <http://omideiran.com/book/۱۷۴۲۰>

۳. آذروش . محمد (۱۳۹۶) . سیری در آواشناسی فونتیکی . انتشارات کتاب سبز

قابل دسترس در <http://ketabesabz.com/book/۲۲۲۳۸>

۴. کشاورز. رحیم (۱۳۷۸) . درآمدی بر آواشناسی . صفحه ۵۴ – ۲۳ زیرزنجیری ها . انتشارات کتاب سبز

قابل دسترس در <http://ketabesabz.com/book/۲۲۲۴۴۸>

۵. آذروش . محمد (۱۳۹۷) . واج ها و تکواژهای انگلیسی . کتابخانه الکترونیکی امید ایران

قابل دسترس در <http://omideiran.com/book/۱۷۴۱۴>